

بسم الله الرحمن الرحيم

موانع توسعه اقتصاد اسلامی در ایران

مولفان:

زهره مظفری

بهروز ولی‌پور



نشر اراده

۱۳۹۴

سرشناسه : مظفری، زهره، ۱۳۵۷-

عنوان و نام پدیدآور : موانع توسعه اقتصاد اسلامی در ایران

مشخصات نشر : تهران: انتشارات اراده، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۳۷ص.

شابک : 978-600-94542-2-8

وضعیت فهرست نویسی : فبیای مختصر

یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nliai.ir> قابل دسترسی است

یادداشت : کتابنامه

شناسه افزوده : ولی پور، بهروز، ۱۳۵۷-

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۲۳۹۸۹

نام کتاب : موانع توسعه اقتصاد اسلامی در ایران

مولف : زهره مظفری - بهروز ولی پور

ناشر: نشر اراده

نوبت چاپ و سال چاپ : اول - ۱۳۹۴

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

چاپخانه : نگین تهران

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۵۴۲-۲-۸

قیمت : ۱۲۰۰۰ تومان

نشانی: تهران-میدان انقلاب - خ کارگر شمالی - خ فرصت شیرازی - پلاک ۲۰ - واحد ۲

تلفن: ۰۲۱۶۶۵۹۶۵۲۱

فهرست مطالب

صفحه	عناوین
۷	مقدمه
۱۲	طرح مسئله (بررسی وضعیت مصرف در ایران)
۱۷	مقایسه مصرف در ایران و جهان
۱۸	ایران رتبه نخست؛ مصرف مواد غذایی
۲۱	میزان مصرف انرژی در ایران
۲۲	تعریف اصطلاحات و مفاهیم
۲۶	آسیب شناسی تحقق استقلال اقتصادی
۴۰	موانع ساده زیستی از دیدگاه قرآن و روایات
۵۸	پیامدهای منفی مصرف گرایی و رفاه زدگی
۷۵	روند مصرف گرایی، پیش از انقلاب اسلامی
۸۰	تجمل گرایی و نتایج منفی آن
۹۳	مصرف گرایی عامل مهم آسیب اقتصاد ایران
۹۸	موانع توسعه در ایران
۱۰۰	موانع توسعه اقتصادی
۱۰۱	موانع توسعه فرهنگی
۱۰۵	موانع توسعه سیاسی
۱۰۶	آسیب شناسی و مولفه های رشد اقتصاد ایران از نظر مقام معظم رهبری
۱۱۱	آسیب های حماسه اقتصادی
۱۱۷	راه کارهای حماسه اقتصادی
۱۲۱	وظایف قوا
۱۲۶	پیشنهادهای
۱۲۸	منابع

مقدمه

اقتصاد از اهمیت زیادی برخوردار است، زیرا استقبال جامعه و قدرت مقاومت آن در مقابل حوادث طبیعی و اجتماعی، همچنین شکوه و عظمت یک جامعه در مقابل جوامع دیگر و ثبات سیاسی آن، بستگی به حل مشکلات و رفع کمبودهای اقتصادی آن جامعه دارد.

مرحوم علامه طباطبایی در رابطه با اهمیت اقتصاد می‌نویسد: «مهمترین چیزی که مجتمع بشری را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصادیات جامعه است، که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده است»^۱

به نظر مرحوم علامه مهم‌ترین چیزی که سبب پایداری یا اضمحلال یک جامعه می‌گردد، اقتصادیات آن جامعه است. زیرا شیوع جنایات، جرائم، گناهان، استثمار، مفاسد اخلاقی و غیره سبب از بین رفتن یک جامعه می‌شود و این بدیها را یکی از دو دلیل زیر به وجود می‌آورد:

الف: فقر مفرط که سبب سرقت و گرانفروشی و غضب و قتل می‌شود.

ب: ثروت بی حد که سبب بی بند و باری در شهوات و تجاوز به جان و مال و ناموس دیگران می‌شود.^۲

از دیدگاه اسلام تأمین نیازهای مادی و بهره‌مندی از نعمتهای الهی امری لازم و

^۱ - الهامی نیا، علی اصغر، یوسفیان، نعمت الله، و حسینی، تقی، ۱۳۳۶ش، اخلاق اقتصادی، بی‌جا، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ج ۱، ص ۲.

^۲ - طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۶۱ش، فلسفه اقتصاد اسلام، گردآورنده: توانایان فرد، بی‌جا، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ص ۸.

مطلوب است اما باید آن را وسیله ای برای رسیدن به تکامل معنوی بشر و کسب فضایل انسانی جهت داد.

خداوند در قرآن می فرماید:

«وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِبَضْرِهِ وَزَوَّجَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین، گروهی اندک و مستضعف بودید. می ترسیدید مردم شما را برابیند، پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد که سپاسگزاری کنید»^۱

بنابراین تأمین نیازهای مادی وسیله ای است برای رسیدن به تکامل معنوی بشر (معرفت و سپاسگذاری عملی) که همان هدف «لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» است. از این رو توسعه اقتصادی زمانی پذیرفتنی است که در راه رسیدن انسان به فضایل و مکارم اخلاقی و پیمودن مسیر قرب الی الله به کار گرفته شود.^۲

اسلام یک نظام معنوی صرف نیست که تنها به استقرار عقیده در دل‌های مسلمانان و انجام امور فردی دینی اکتفا کند و مأموریت خود را پایان یافته بداند. بلکه اسلام یک روش عملی واقعی برای زندگی شرافتمندانه، همراه با عزت و اقتدار جامعه و امت است و با هرگونه سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به مقابله برمی خیزد. «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا»^۳ و خدا تا ابد اجازه نداده که کافران کمترین تسلطی بر

^۱ - انفال / ۲۶

^۲ - عبد‌اللهی، محمداسماعیل، ۱۳۹۰ش، جهاد اقتصادی در جهان بینی اسلامی، مشهد، مرکز بین المللی ترجمه و نشر

المصطفی (ص)، ص ۴۴-۴۳

^۳ - سوره ۱۴۱/

مؤمنان داشته باشند».

بدترین نوع سلطه بیگانگان که زمینه ساز سلطه سیاسی و فرهنگی می گردد، سلطه اقتصادی است و سلطه اقتصادی آن گاه بر جامعه ای سایه می افکند که اقتصاد آن از لحاظ تولید و تأمین کالاهای اساسی عاجز باشد. در دنیای امروز رهایی از سلطه قدرتهای اقتصادی در صورتی ممکن خواهد بود که با سرمایه گذاری در بخشهای کشاورزی و صنعتی، تولید در این دو بخش به حدی رشد یابد که جامعه را از واردات این گونه کالاهای نیاز سازد. البته جامعه اسلامی و امت مسلمان، همواره باید به این مسأله توجه داشته باشند که دین برای آنان عزت و سرافرازی خواسته است و آنان را از سستی و عقب ماندگی که زمینه ساز سلطه های مختلف بیگانگان و کفار است بر حذر می دارد. «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^۱ سستی نکنید و اندوهگین مباشید، زیرا اگر ایمان آورده باشید شما برتری خواهید جست».

از لوازم ایمان، بی نیازی اقتصادی از کفار و خودکفایی مسلمانان است زیرا نیاز، همیشه ملازم با ذلت و اسارت است و ملتی که بخواهد عزیز و سربلند زندگی کند باید خود را از نیاز به دیگران برهاند. امام علی (ع) می فرماید: به هر کس نیازمند باشی اسیر او خواهی شد و از هر کس بی نیازی بجویی، امیر و حاکم او خواهی شد.^۲ از این رو مسلمانان موظفند برای حفظ اعتبار و حیثیت جامعه اسلامی، راه نفوذ کفار و بیگانگان را برای تسلط و سیاست ببندند، و از آن جا که بزرگترین راه نفوذ آنان، تأمین نیازمندیهای اقتصادی است، اعمال سیاست اقتصادی خودکفایی و همیاری و مشارکت تمامی اقشار

^۱ - آل عمران / ۱۳۹

^۲ - محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۸۷ش، میزان الحکمه، قم، دار الحدیث، ج ۶، ص ۲۹۰.

جامعه در قطع و وابستگی و بستن راههای نفوذی آنان، تأثیری اصولی دارد و از مهمترین مسئولیت های امت اسلامی است.^۱ مسلمانان باید با برنامه ریزی های اقتصادی به خود کفایی برسند، به این معنی که توان رفع نیازهای خود را، دست کم در سطح تولیدات حیاتی و استراتژیک، با تأمین سطح مطلوب از رفاه برای افراد جامعه داشته باشند، به طوری که هر جا بنا بر مصالحی با بیگانگان، روابط سیاسی و اقتصادی برقرار کردند، از موضع قدرت برخورد کنند و بی آنکه تحت سلطه آنان قرار گیرند، بر آنان تفوق و برتری یابند. از آن جا که اکنون در دنیا چنان تحولی به وجود آمده که همه کارها بر محور علم می چرخند و نظام زندگی بر اساس علم استوار می شود و همه شئون حیات بشری با دانش و تکنولوژی سامان می یابد و هر چیز دشوار و مشکلی در زندگی با کلید علم و تکنیک آسان می گردد و رسیدن به استقلال و خود کفایی همراه با اقتدار اقتصادی و به طور کلی انجام بسیاری از تکالیف فردی و اجتماعی به فراگیری علوم و تکنولوژی پیشرفته روز وابسته است. بی تردید تا زمانی که مسلمانان نیازمند دانش و تکنیک بیگانگان باشند و حتی برای دفاع از خود به سلاحهای دشمنان رو آورند، برای همیشه در حاشیه می مانند و دیگران به اکراه و یا اجبار، برای آنان تصمیم می گیرند و آنان را همانند برده و اسیری که هیچ اختیاری از خود ندارد، آلت دست خود قرار می دهند.^۲ اسلام انسانها را به سوی قطع وابستگی و نیازمندی های سلطه پذیرانه به دیگران فرا می خواند و جز در موارد خاص و اضطراری درخواست کمک و

^۱ - دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، ۱۳۸۰ش، پدیده شناسی فقر و توسعه، قم، بوستان کتاب، ص ۲۶۳-۲۶۲.

^۲ - خلیلیان اشکذری، محمد جمال، ۱۳۷۶ش، سازگاری مفاهیم فرهنگی اسلامی با توسعه اقتصادی، بی جا، بی نا، مجله دانشگاه اسلامی، شماره ۲، ص ۹.

رفع نیاز از سوی دیگران را نمی‌پسندد. اگر رشته‌ها و پیوندهای وابستگی اقتصادی گسسته شود در این صورت است که جامعه می‌تواند در مقابل توطئه‌های سلطه‌گران بایستد. قطع وابستگی در اسلام به عنوان یک ارزش مطرح است شعاری که هر مسلمان باید آن را با خود زمزمه کند تا با تار و پود وجودش پیوند یابد. اسلام، نظیر دیگران زیست و برخورداری از کمال مطلوب را در این می‌داند که انسان با ساز و کارهای مشروع و عقلانی روندی پیش گیرد که از وابستگی زیانبار رهایی یابد و خود باید آنچه را خواهان است و می‌خواهد تحقق دهد.

اگر به واقعیت‌های کنونی امت‌های اسلامی به دقت بنگریم درخواهیم یافت که این امت غیر از آن امتی است که قرآن درباره‌اش می‌گوید: «... خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ»^۱ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید... زیرا امت کنونی اسلام، به جای آنکه رهبر و پیش‌تاز امت‌ها باشد به دلیل از دست دادن هویت ذاتی خود و از هم پاشیدن وحدتش و وابستگی‌اش به کشورهای بیگانه به امتی پیرو و فرمانبر تبدیل شده است. نتیجه این فرایند از میان رفتن استقلال و باقی ماندن ثبات اقتصادی و سیاسی آنها در گرو کشورهای بیگانه است. بر این مبنا نمی‌توان تصور کرد که امت اسلامی بتواند به هیچ نوع توسعه واقعی اقتصادی دست یابد مگر آنکه بتواند ابتدا استقلال اقتصادی خود را به دست آورد. تحقق استقلال اقتصادی برای امت اسلامی و کشورهای عقب مانده به مفهوم تصاحب امکانات خودشان و سلطه بر منابع اقتصادی خود و بی‌نیاز شدن از وابستگی به خارج می‌باشد.^۲

^۱ - آل عمران/ ۱۱۰

^۲ - العسل، ابراهیم، ۱۳۷۸ش، توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۱۶۵-۱۶۴